

مدیریت اسلامی و روش های شناخت آن

ابراهیم رضاپور

منیره زارع

چکیده

مدیریت به عنوان یکی از شیوه های راهبری جامعه تحت تاثیر ارزش های حاکم بر ساختار موجدۀ تمدن ها و یا جوامع می باشد. از همین رو ست که عناصر تشکیل دهنده هر جامعه، می تواند ابزاری باشد برای شناخت شیوه مدیریت آن جامعه. این موضوع در قالب ارزش های اسلامی نیز قابل انطباق می باشد چرا که در این نظام مدیریتی، با عنایت به تلاش برای حاکمیت ارزش های الهی، در جامعه ضروری است، شیوه مدیریت اسلامی اجرا شود. تا ارزش های اسلامی در جامعه محقق گردد. برای دست یابی به این هدف، ضروری است، شناخت مدیریت اسلامی و تدوین اصول و مبانی آن در حد بضاعت مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت، اسلامی، ارزش های الهی، نظریه های مدیریت، نظام اجتماعی

ظهور نظام اجتماعی و پیدایش ساختار های اجرایی و مدنی و گسترش روزافزون آنها، یکی از شاخصه های تمدن است که توجه به عوامل زمانی و مکانی آن، ویژگی ها و نیاز های خاصی را برای هر جامعه به وجود می آورد که نظام های اجتماعی برای نیل به اهداف خود، ساختار های خاصی را ایجاد کرده و برای مدیریت آنها از شیوه های خاصی بهرمنند می گردد.

بشر از گذشته های دور برای رسیدن به هدف خود، امکاناتی را فراهم کرده و برای استفاده از این امکانات، به مدیریت و راهبری آنها مبادرت کرده است. ذکر این نکته ضروری است که شیوه رهبری و مدیریت در هر تمدنی بستگی به ساخت فرهنگی آن داشته و بر پایه آن شکل می گیرد. به عنوان مثال بشر غربی پس از رنسانس، با تکیه بر تجربه صرف بشری، موجب شد انسان به عنوان یکی از عوامل تولید در ردیف ماشین و دیگر منابع به شمار آید. یعنی انسانی که خود خالق ماشین بود، در نظام ارزشی غرب، هم سطح مخلوق و گاه ... در سطحی پست تر از ماشین جای گرفت. (رضاییان، ۱۳۸۰: ۴)

اگر بپذیریم که این نگرش محصول مکتب اصالت فایده است که در آن ارزش هر چیز به میزان سودمندی آن بستگی دارد، بدیهی است که میزان درستی هر چیز، به میزان سود دهی آن بستگی دارد. بدین سان این تمدن بعد از انقلاب صنعتی به یک تمدن سود انگار تبدیل شد و در نتیجه زندگی بشر در غرب، صحنه رقابت تمام عیار سود محوری شد. (رضاییان، ۱۳۸۲: ۵) اگر چه می توان توجه به این مساله را برخی در جوامع پذیرفته شده دانست. ولی نباید از این نکته غافل شد که این سبک و سیاق از نگرش قابل تعمیم به همه جوامع و تمدنها نیست. به عنوان مثال این امر می تواند در فرانسه کاربردی و کارآمد باشد. ولی در جامعه ای مثل عربستان با دیدگاه ها و ارزش های خاص خود، نتایجی معکوس ارایه نماید. به عبارت دیگر ممکن است این مکتب و شیوه مدیریتی برآمده از آن در همه جا منتج به فایده و یا نتیجه نگردد. لذا تلاش برای تبیین شیوه های مدیریتی، منطبق با ارزش های هر جامعه، امری مفید به نظر می رسد. این سخن به معنای نفی استفاده از تجربیات بشری

که با نظام ارزشی جوامع هم خوانی داشته و یا با آنها در تعارض نمی باشند، نیست. بلکه بر این مهم تاکید دارد که به عنوان مثال در یک جامعه با آموزه های الهی، تدوین اصول مدیریت بر مبنای ارزش های الهی است که می تواند، نظام اجتماعی را به هدف خود برساند.

بیان مساله

آنچه در بحث مدیریت اسلامی مطرح است حاکم بودن ارزش های اسلامی و معیار های الهی بر مدیریت در کنار بهره مندی از چارچوب ها و ساختارهای علمی و مدیریتی می باشد. یعنی اگر علم مدیریت برای داده های خود از احکام و ارزش های اسلامی بهره مند گردد، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت. در واقع به نظر می رسد، مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش های الهی اسلام، زمینه های تعالی انسان را فراهم آورد. این امر چه در سطح جامعه (مدیریت و رهبری در جامعه اسلامی) و چه در سطح سازمان (مدیریت و رهبری سازمانی) مصداق دارد.

لازم به ذکر است که امروزه سازمان های بزرگ دنیا به جای آنکه اهدافی را برای خود تعیین کنند به دنبال تدوین راهبردهایی برای رسیدن به آن باشند. ارزش هایی را برای سازمان خود تعریف می کنند و ماموریت سازمان را پیاده کردن آن ارزش ها در سازمان قرار می دهند. در مدیریت اسلامی نیز که با توجه به ابعاد وجودی انسان طراحی و انشاء شده است، ارزش هایی منطبق با فلسفه وجودی و رسالت دینی در نظام اجتماعی تعریف شده است. تا جوامع اسلامی را به سمت هدف خود، یعنی تعالی و کمال رهنمون گردد. شناخت نظام مدیریتی اسلام و کاربردی سازی مفاهیم و اصول آن بحثی است که توجه به آن می تواند در نظام سازی اسلامی نقش به سزایی داشته باشد. البته تلاش های فراوانی برای شناخت و معرفی مدیریت اسلامی انجام شده است ولی هیچ یک از آنها به آگویی جامع و مورد قبول و اجرایی منجر نشده است. لذا تلاش خواهد شد، ضمن تبیین راه های شناخت مدیریت اسلامی، نگاهی کاربردی برای دست یابی به نظام مدیریت اسلامی ارائه شود.

سوال اصلی

بیان مطالب فوق این سوال را به ذهن متبادر می نماید که: شاخصه ها و راهکارهای شناخت مدیریت اسلامی کدامند؟

سوالات فرعی

البته این سوال اگرچه می تواند به عنوان اصلی ترین سوال این پروژه به تنهایی حجم وسیعی از اطلاعات را دربرگیرد. ولی می توان سوالات دیگری نیز برای روشن شدن زوایای تحقیق مطرح نمود.

۱- کدامیک از اقدامات و راهکارها می توانند بیشترین تاثیر را در شکل گیری مدیریت اسلامی ایفا نمایند؟

۲- مدیریت اسلامی از چه منابعی قابل استخراج می باشند؟

باید اذعان نمود که بحث مدیریت اسلامی از چنان دامنه ای برخوردار است که با این سوالات و حتی چندین سوال کلی و جزعی دیگر، نمی توان به همه زوایا و مسایل مبتلا به آن پاسخ گفت.

فرضیه اصلی

به نظر می رسد بحث شناخت مدیریت اسلامی و راه های باز تعریف آن می تواند به شکل گیری الگویی مدیریتی در راستای نظام سازی اسلامی منجر خواهد شد.

فرضیه رقیب

به نظر می رسد با توجه به شرایط حاکم بر جهان، تبیین نظام مدیریتی اسلام و کاربردی سازی آن امکان پذیر نمی باشد.

اهمیت و ضرورت مدیریت اسلامی

تبیین مبانی و اصول مدیریت اسلامی از آن جهت که می تواند به عنوان بدیلی برای نظام مدیریتی موجود در جهان به حساب آید و از سوی دیگر چهره حقیقی و درستی از نظام اجتماعی اسلام آرایه کند، ضرورت می یابد و می تواند کمک کند تا اولاً نگاه تک بعدی به انسان و نیازهای او که منشاء پیدایش نظام مدیریتی جدید است از بین برود و ثانیاً موجب شود علم مدیریت بر مبانی قابل اتکاءتری که به همه زوایای زندگی بشر توجه دارد، ایجاد گردد. برای این کار باید تمام منابع و اطلاعاتی که نیازهای انسانی را به صورت جامع و منطقی و منطبق با حقایق عالم هستی توضیح می دهد به صورت علمی نظام مند نمود و آنرا به صورت کاربردی در امر رهبری جامعه بکار بست.

اهداف تحقیق

این تحقیق در پی آن است تا با بررسی مباحث مربوط به مدیریت اسلامی و راه های شناخت آن، الگویی را در اختیار تصمیم گیران قرار دهد. تا از این رهگذر بتوانند با بکارگیری آن، نظام مدیریتی را پی ریزی کنند که هدف آن، پیاده سازی اصول و احکام اسلامی باشد.

تعاریف مدیریت اسلامی

پیرامون بحث مدیریت اسلامی و چیستی آن، مطالب و برداشت های گوناگونی مطرح شده است. که هر یک با توجه به دیدگاه خود، بر مبانی و اصولی از اسلام تاکید کرده اند. و به آرایه تعاریفی از آن چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم سعی در تبیین شاخص های مدیریت اسلامی داشته اند. باید اذعان داشت که دامنه برداشت ها پیرامون مدیریت اسلامی که بر محور ارزش های اسلامی و سیره معصومین، استوار شده اند، آنچنان متنوع است که بررسی همه آن ها در این مقال نمی گنجد. لذا سعی خواهد شد، تا جای ممکن و در حد حوصله مقاله به بیان برخی از تعاریف موجود پرداخته شود. یکی از تعاریف مطرح در زمینه مدیریت اسلامی، آن را مقوله

ای مکتبی می داند که وظیفه دارد، راه حل های مدیریتی را در راستای مفهوم عدالت خواهی سازگار نماید. (افجه ای، ۱۳۷۷: ۲۲) حمیدی زاده بر این باور است: مدیریت اسلامی از اصول اعتقادی آن سرچشمه گرفته و بر مدیریت بر یک جمع انسانی و در یک سازمان در راستای مدیریت جهان خلقت است. و بر مبنای یک بینش ایجاد می گردد. که بر اساس آن مدیریت باید همراه و هماهنگ با ضوابط و قوانین کلی جهان و برای دستیابی به سطوح آرمانی طراحی شود. (حمیدی زاده، ۱۳۷۸: ۲) یکی دیگر از تعاریف موجود پیرامون مدیریت اسلامی، حرکت به سمت خدا و رعایت زهد و تقوا و تلاش برای جلب رضایت اکثریت را معنای مدیریت اسلامی می داند. (عسگریان، ۱۳۷۰: ۵۲) به اعتقاد مشرف جوادی، رابطه با خدا و حرکت به سمت خدای قادر متعال و شهادت به خدای یکتا مفهوم مدیریت اسلامی را رقم می زند. (مشرف جوادی، ۱۳۷۸: ج) در بحث از مدیریت اسلامی، این منظور مد نظر است که: اداره امور و استفاده از امکانات دنیوی باید بر اساس جهان بینی اسلامی و نگرش توحیدی برنامه ریزی شود. چرا که بر اساس جهان بینی توحیدی رفتارهای مدیریتی باید، بر جهان بینی توحیدی و اصول آرمان های جامعه اسلامی منطبق باشد. هاشمی رکاوندی، مدیریت در اسلام را ملهم از قران و سنت رسول گرامی اسلام می داند که بحثی کلامی و عقیدتی به شمار می رود. (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۹: ۷۶) امانت بودن، تکلیف بودن، خدمت بودن و مواردی از این دست شاخص هایی است که در شناخت مدیریت اسلامی مورد استفاده قرار می گیرد. (تقوی دامغانی، ۱۳۷۸: ۲۳) نبوی در تعریف مدیریت اسلامی می نویسد: مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد. (نبوی، ۱۳۸۰: ۳۳) مدیریت اسلامی آن بخش از فرآیند مدیریت را شامل می شود که به وحی و منابع اسلامی مستند بوده و بر وحی، ارزش های متعالی، ثابت و مطلق و عدم بهره کشی مبتنی باشد. که بر پایه کرامت و شرافت انسان برنامه ریزی شود. (قبادی، ۱۳۷۸: ۱۲)

شاخصه های تدوین الگوی مدیریت اسلامی

در بحث الگو سازی برای مدیریت اسلامی و راه های شناخت آن باید به این نکته توجه نمود که نگاه جزعی و از یک یک یا چند منظر خاص، نمی تواند از کارایی لازم برای ساخت نظام مدیریتی اسلام برخوردار باشد. به همین جهت، ضروری می نماید که موضوع مدیریت اسلامی در یک نگاه کلی مورد بررسی قرار گرفته و از منظرهای گوناگون مطالعه شود تا اصول و مبانی کاربردی و علمی مدیریت اسلامی کشف و در راهبری جامعه به کار گرفته شود. اگر بر این تقسیم بندی قایل باشیم که می توان مدیریت اسلامی را در دو حوزه کلان نرم افزاری و سخت افزاری مورد مذاقه قرار دهیم، لاجرم باید، ابتدا به بررسی جامع منابع شناخت مدیریت اسلامی به عنوان نرم افزار موجود پرداخته و سپس در دومین گام با نگاهی مقایسه ای با نظریات مدیریتی موجود به عنوان مطالعه سخت افزاری به تدوین اصول و مبانی مدیریت اسلامی اقدام کنیم. لذا در ادامه تلاش خواهد شد، منابع قرآنی، روایی - حدیثی، فلسفی و تاریخی (سیره) به عنوان نرم افزار بحث و مطالبی چون غرب شناسی، فلسفه مدیریت غربی و تئوری و نظریه های مدیریت به عنوان سخت افزار شناخت و کشف اصول و مبانی مدیریت اسلامی بررسی شوند.

مدیریت اسلامی و جنبه نرم افزاری آن

با نگاه مطالعه سیستمی و در یک نگرش کلی منابع علمی و دانشی مورد استفاده در علم مدیریت اسلامی در چهار قابل تقسیم است که به لحاظ اهمیت موضوع مورد مطالعه و مذاقه قرار خواهد گرفت.

الف) قرآن

اگر این سخن مورد پذیرش ما باشد که همه موجودات در عالم طبیعی، در دو شاخصه زمانی و مکانی و کارکرد آنها در زمان و مکان قابل مطالعه هستند، ناچار باید برای درک جایگاه قرآن به عنوان منبعی برای تبیین اصول و مبانی مدیریت اسلامی و شناخت آن به نقش زمان و مکان در آن توجه نمود. از همین رو،

متذکر می شویم که قرآن به طور عام و داستان های قرآنی در زمینه مدیریت الهی و کارگزاران دینی، به نحو خاص، از مهمترین منابع شناخت مدیریت اسلامی به شمار می روند. البته از لحاظ معنا شناسی واژگانی و توجه به مشتقات مدیریت نظیر تدبیر، تدبیر، ملک و ... نیز می توان از قرآن برای شناخت مدیریت اسلامی بهره برد. از دیگر مواردی توجه به آنها در قرآن می تواند به شناخت مدیریت اسلامی کمک کند، می توان به مواردی چون: توجه به صفات خداوند متعال و نکات مدیریت الهی در قرآن اشاره نمود که از طریق: مطالعه در تاریخ صدور آیات و شأن نزول آنها، توجه به جنبه های نظارتی قرآن، دقت در زمان نزول آیات، - نزول در زمان ایجاد دولت اسلامی در مدینه و یا پیش از آن در مکه - مذاقه در فضای اجتماعی و جو بین المللی نزول آیات، دقت در شاخصه های تربیتی، درک و شناخت مواردی چون محکمت و متشابهات، عام و خاص، ناسخ و منسوخ و ... در مورد محتوای آیات و استفاده از تفسیر قابل درک و فهم بهتر خواهد بود. (تقی پور، ۱۳۸۱: ۶)

ب) حدیث

به مجموعه قول، فعل و تقریر معصوم (ع) در علوم اسلامی، حدیث گفته می شود. که یکی از منابع قابل توجه در شناخت مدیریت اسلامی به شمار می رود و درک اصول و مبانی مدیریت اسلامی از این منبع، نیازمند آن است تا مواردی چون: میزان فهم مخاطب از حدیث، جهت صدور حدیث، ضرورت صدور حدیث، بررسی حدیث از منظر قرآن و مواردی از این دست رعایت شود. تا از این رهگذار ضمن ایجاد اتقان به لحاظ سندیت حدیث، کشف اصول و مبانی و شناخت مدیریت اسلامی با کمترین خطا ممکن گردد.

فلسفه اسلامی

توجه به آراء و دیدگاه های متکلمین و فلاسفه اسلامی که طی قرون و اعصار به بررسی و بیان مطالبی پیرامون چیستی مدیریت اسلامی بحث کرده و تبیین مبانی فکری و فلسفی آن پرداخته اند نیز از جمله راه

های شناخت مدیریت اسلامی است که می تواند به عنوان چارچوبی مناسب برای دسته بندی و طبقه بندی منابع شناختی در حوزه مدیریت اسلامی به کار گرفته شود.

تاریخ و سیره

توجه به سیره بزرگان دنیای اسلام به ویژه حضرات معصومین (ع) که در طول تاریخ به بیان نکات مدیریتی و تبیین اصول و مبانی مدیریت اسلامی پرداخته اند نیز از مواردی است که می تواند به عنوان یکی از راه های شناخت مدیریت اسلامی مورد توجه قرار گیرد. که بهترین راه دستیابی به آن نیز منابع تاریخی و کتاب های راوی حدیث می باشد.

مدیریت اسلامی از منظر سخت افزاری

در بررسی مدیریت اسلامی از جنبه سخت افزاری، به این موضوع توجه خواهد شد که این نوع از مدیریت از لحاظ نظری و عملی با چه نوع از نظریات مدیریتی در تعامل و یا تقابل است و خود این شیوه مدیریتی از توان بازتولید نظری و عملی برخوردار هست یا نه. به همین منظور، با نگاه به غرب سیاسی، و مرور فلسفه ای که غرب مدل مدیریتی خود را بر آن استوار ساخته است، تلاش خواهیم کرد به تبیین جایگاه مدیریت اسلامی بپردازیم.

شناخت غرب

غرب سیاسی به لحاظ جایگاه فلسفی، نظری و تکنیکال، مرهون تغییر نگرش به جهان و تغییر روش در تولید علم، می باشد که این امر علم مدیریت و شیوه مدیریت غربی را نیز شامل می گردد. این امر از آن جهت دارای اهمیت است که بدانیم برای شناخت هر علم، ابتدا باید جریان شناسی آن را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. چرا که جایگاه تاریخی و سیر تکامل علم به درک آن کمک بهتری خواهد کرد و از دیگر سو کمک می نماید تا بتوانیم نسبت به آینده آن علم پیش بینی دقیق تری ارائه کرده و در عین حال میزان درجه اعتبار و اصالت آن علم را مشخص سازیم. لازم به ذکر است که نگاه کلان به اندیشه های تاریخی، کارکرد دیگری نیز دارد و آن

افزایش توان اذهان برای درک بهتر، شفاف تر و دقیق تر از تئوری ها و نظریات می باشد. پس می توان اذعان نمود که آشنایی با سیر تاریخی تمدن ها و علوم، مقدمه ای برای درک بهتر فلسفه علوم و بهره مندی از دستاوردهای آن به شمار می رود.

مدیریت از نگاه فلسفه غرب

در این بخش اشاره به این موضوع ضروری می نماید که بدانیم برای درک بهتر مدیریت اسلامی و تدوین آن، توجه به فلسفه غرب می تواند از دو منظر، مهم و اساسی می باشد. اول از این جهت که به ما کمک خواهد کرد منابع و اطلاعات خام موجود پیرامون مدیریت اسلامی را بر اساس یک تجربه و تفکر علمی، و یک مدل نظام مند تدوین کرده و اصول و مبانی آن را کشف نماییم. دوم از آن جهت حائز اهمیت می باشد که می تواند آن بخش از دستاوردهای خود را که با اهداف نظام مدیریتی اسلام هم خوانی داشته و یا مغایرتی با آن ندارد را در اختیار ما قرار دهد.

به همین سبب تلاش خواهد شد، مبانی فلسفی مدیریت در غرب به صورت اجمالی مورد معرفی قرار گیرد. چرا که فلسفه مدیریت در غرب چارچوبی برای تدوین نظام مند منابع مدیریت اسلامی در اختیار ما قرار خواهد داد.

تئوری های مدیریت

برای درک بهتر و عملی چارچوب اصول و مبانی مدیریت لازم است تمامی نظریه های موجود در این حوزه مطالعه شود تا تولید علم و تغییر مرزهای علم مهیا شود. که همین امر ضرورت آشنایی با تئوری های علم مدیریت را برای شناخت بهتر مدیریت اسلامی، دو چندان می نماید.

کاربرد مدیریت اسلامی

مهم ترین کاربرد مدیریت اسلامی، را می توان در امر تحقق دین در جامعه و پیاده سازی اصول آن در زندگی انسان بیان کرد. که می تواند با تاکید بر عدالت برای همه و در تمام سطوح، علم به شرایط زمان و مکان، افزایش

توان فکری و روحی جامعه، تلاش برای تحکیم ارزش های دینی، رفع عسر و حرج از جامعه، انتخاب کارگزاران امین و خدوم، برخورد قاطع با تخلفات خواص، برخورد همراه با رعفت با عامه مردم، پرهیز از اشرافی گری و دنیا طلبی و ... پهور و بروز یابد.

نتیجه گیری

همانگونه مشاهده شد راه های شناخت مدیریت اسلامی از راه مطالعه منابع علمی و نرم افزاری و مقایسه آن با سایر نظام های مدیریتی و بررسی نظریه های علم مدیریت ممکن می باشد. لازم به یادآوری است که مهمترین منابع نرم افزاری شناخت مدیریت اسلامی، عبارت بودند از قرآن، حدیث، فلسفه و سیره که توجه به آنها در استخراج اصول و مبانی مدیریت اسلامی مهم و ضروری به شمار می روند. البته این بخشی از راه شناخت مدیریت اسلامی می باشد. و نیمه دیگر آن شناخت نظریه های جدید علم مدیریت و مقایسه مدیریت اسلامی با آن ها به عنوان سنگ محک درستی شیوه مدیریت اسلامی است. البته این مقایسه به ما کمک خواهد کرد تا به الگویی علمی و منطبق با اهداف خود دست یابیم. امری که به تصمیم گیران کمک می نماید، در ایجاد ساختار نظام مدیریتی اسلام و نظام سازی دینی موفق باشند. از این رو موارد ذیل به عنوان راهکارهای قابل اجراء ارایه می گردد.

پیشنهادات

- ۱- دانشگاه ها برای شناخت مدیریت اسلامی و استخراج اصول و مبانی آن، به مطالعه منابع اطلاعاتی شناخت مدیریت اسلامی و انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی مبادرت نمایند.
- ۲- دانشمندان علم مدیریت حاضر در دانشگاه ها با برگزاری جلسات بحث و مناظره علمی با علمای حوزه های علمیه به تبیین اصول و مبانی مدیریت اسلامی به زبان علمی روز همت گمارند.
- ۳- نگاه فلسفی به موضوع مدیریت راه کاری است که بر اساس آن می توان ضمن ایجاد جریان علمی، نظریه ها و تئوری های مدیریتی را در راستای نظام سازی دینی مدون و نظام مند نمود.
- ۴- تلاش برای تولید علم از درون مفاهیم دینی و منطبق با ارزش های دینی می تواند، زمینه را برای رسیدن به توسعه ای پایدار موثر واقع شود.
- ۵- جمیع مطالب فوق کمک خواهد کرد نظام مدیریتی اسلام از مرحله مدرنیسم که از دیدگاه فلسفی به دستاوردهای مادی اطلاق می شود به سمت مدرنیته که حاصل تحول معنوی در نگرش به جهان است نزدیک تر شده و به مدرنیته و مدرنیسم بومی و منطبق با اصول و ارزش های دین مبین اسلام دست یابد.

منابع

- افجه ای، سید علی اکبر، مدیریت اسلامی، تهران انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- حمیدی زاده، محمدرضا، تبیین نقش پیش بینی و آینده نگری در نظام مدیریت اسلامی، فصلنامه مطالعات مدیریت، ۱۳۷۸، شماره ۲۰.
- رضاییان، علی، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- عسگریان، مصطفی، مدیریت اسلامی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۰.
- قبادی، اسماعیل، اصطل و مبانی مدیریت اسلامی، قم، انتشارات فقه، ۱۳۷۸.
- مشرف جوادی، محمدحسین، اصول و متون مدیریت در اسلام، همدان، انتشارات نور علم، ۱۳۷۸.
- نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
- نقی پور، ولی الله، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱.
- هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی، رهبری و مدیریت روابط انسانی و سازمانی در ایران، اسلام و غرب، انتشارات باطن، چاپ اول، ۱۳۷۹.